تعریف پست مدرنیسم

تیم مک لاین

کریستوفر کیپ

مترجم: رابین پارمار

مترجم : نوری زاده، یوسف

پست مدرنیسم چیست؟

در وهله نخست،پست مدرنیسم؟جنبشی در معماری بود که مدرنیسم(به‏عنوان نهضت پیشگام ارائه تازگیها)را پس‏ زد.مدرنیسم،در نقاشی و معماری به مانند رد سنت برای نیل‏ به«جایی که پای هیچ‏کس تاکنون به آنجا باز نشده»عمل‏ می‏کند؛یا بهتر از آن:ایجاد قالبهای هنری به صرف تازگی، و نه چیز دیگر.مدرنیسم کشف احتمالات و کاوش بی‏وقفه در پی بی‏همتایی،و همزادش،فردیّت بود.پست مدرنیسم معماری؛ ارزشگذاری نو و تازه به دست مدرنیسم را در دهه‏های پنجاه و شصت به دلایلی محافظه‏کارانه رد کرد.آنها می‏خواستند هنگام‏ بازگشت به قالبهای کلاسیک گذشته،که از نو به آنها قوت‏ قلب می‏داد،عناصری از افاده‏های مدرن را حفظ کنند.حاصل‏ این کار،یک زلم زیمبوی طنزآلود یا رویکردی چهل تکه‏ای به‏ بناسازی بود که ترکیب چند مدل سنتی را در یک بنا به کار می‏برد.معنا،همچون کلاژ،از مجموعه نقش و نگارهایی که‏ پیشاپیش درست شده‏اند،درمی‏آید.

به تبع آن،تصور عمومی مدرن و رمانتیک از هنرمند خلاق یکه و تنها،جای خود را به تکنسین بازیگوش(شاید سارق اطلاعاتی کامپیوتری)داد؛کسی که قادر است آثار خلق‏ شده گذشته را بازیابی کرده و مجددا باهم ترکیب کند.در این‏ وضعیت،فقط داده‏ها به درد می‏خورند.این رویکرد تصنعی در فعالیتهای هنری تصویری،موسیقایی و ادبی در سیاسی‏ترین‏ شکل ممکن اتخاذ شده است؛جایی که از کلاژ استفاده می‏شود تا شاید به بیننده تلنگری وارد شود تا او درباره مفهوم بازآفرینی‏ تأمل کند.

در آمریکا هنر پاپ بازتاب فرهنگ است.اجازه دهید فرهنگ کالیفرنیایی را برای شما مثال بزنم،جایی که افراد، فرقی نمی‏کند که از لحاظنژاد اروپایی باشند،افریقایی،آسیایی، یا اسپانیایی،با ناخنک زدن به انواع سنتهای مذهبی دنبال‏ تجربه مذهبی اصیل یا«ریشه‏دار»هستند.با پیدا شدن سر و کله نسبیت کلاژ،بنیاد اصالت،واژگون شده است.در هنر و زندگی معنوی،شاهد الگویی هستیم که از استانداردهای جهانی‏ فاصله گرفته و از فضایی چند بعدی و پیچیده سر درمی‏آورد، و مهم‏تر از آن شاهد انحلال تمایزات هستیم.خلاصه آن‏که، به زبانی ساده و تاریخی می‏توان رئوس مطالب این جنبش را چنین برشمرد:

1-پیش مدرنیسم:مفاهیم و تعاریف اصلی در ید حاکمیت‏ است(مثلا کلیسای کاتولیک)سنت بر فردیت سلطه دارد.

2-مدرنیسم:طرد توامان روشنگرایانه/انسانمدارانه‏ سنت و حاکمیت در جهت خرد و علم طبیعی.این حرکت بر اساس مفروض انگاشتن فرد خودمختار به‏عنوان تنها منبع معنا و حقیقت پایه‏ریزی شده است:تفکر کارتیزینی.پیشرفت و نوآوری‏ در یک استنباط خطی تاریخی،مورد ارزشگذاری قرار می‏گیرد. تاریخی از دنیای«حقیقی»که به‏طور فزاینده‏ای واقعی یا ملموس می‏شود.می‏توان آن را شناخت از نوع پروتستانی قلمداد کرد.

 3-پست‏ مدرنیسم: طرد فرد خودمختار و مقتدر با تأکید بر تجربه‏ حکومت ستیزانه‏ جمعی و بی‏نام و نشان. کلاژ،گوناگونی،دست نایافتنیهای‏ رازورزانه،و شور جنون‏آمیز در مرکز توجه‏ قرار می‏گیرند.مهم‏تر از همه شاهد انحلال تمایزات،ادغام سوژه و ابژه، خود و دیگری هستیم.این‏ یک تقلید سخره‏آمیز نیشدار و بازیگوشانه از مدرنیته غرب‏ و فردیت«جان وین» گونه و عدم پذیرش‏ تند و آنارشیست‏ تمامی تلاشها برای تعریف، شیئیت یافتن یا معرفی دگرباره‏ موضوع‏ انسانی‏ست.